

امكان سنجی امضای توافق راهبردی با روسیه؛ الزامات و اقتضائات

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۷۷۳۳

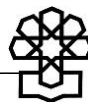
شهریورماه ۱۴۰۰

معاونت مطالعات سیاسی

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	خلاصه مدیریتی
۴	مقدمه
۷	چیستی همکاری راهبردی
۱۱	پیش‌ران‌های پی‌ریزی روابط راهبردی با روسیه
۱۱	۱. برخورداری از سابقه و تجربه موفق در زمینه همکاری راهبردی موردی
۱۴	۲. تداوم همکاری راهبردی در سوریه
۱۶	۳. همکاری در سایر حوزه‌های راهبردی
۱۷	۴. قربات گفت‌وگویی و هنجاری در قبال نظم بین‌الملل
۱۹	۵. ادراک مشترک از تهدید مشترک
۲۰	۶. ثبات درون‌حاکمیتی در ایران و تثبیت الیت سیاسی در روسیه
۲۲	محدودیت‌ها و چالش‌های فراوی انعقاد توافق راهبردی
۲۳	۱. نقش مخرب بازیگران ثالث
۲۴	۲. ناموازنه ژئوپلیتیک و ژئواکونومی در روابط ایران و روسیه
۲۷	۳. سطح نازل تعاملات غیررسمی
۲۸	الزامات سیاستی انعقاد توافق راهبردی با روسیه
۲۹	۱. تلاش برای تغییر ادراک تصمیم‌سازان روس درخصوص عزم و جدیت ایران برای همکاری جامع راهبردی
۳۱	۲. ضرورت تدبیر و آگاهی بخشی افکار عمومی
۳۲	۳. ظرفیت‌سازی توافق راهبردی با روسیه در راستای تقویت محور مقاومت
۳۳	۴. تلاش برای پیوند بیشتر با ساختارهای نهادی فراملی روس‌بنیان
۳۶	۵. توجه به وجوه نرم‌افزاری روابط راهبردی
۳۸	نتیجه‌گیری
۳۹	منابع و مأخذ



امکان‌سنجی امضای توافق راهبردی با روسیه؛ الزامات و اقتضائات

خلاصه مدیریتی

- امروزه، ابعاد وسیع‌تر و ماهیت پیچیده‌تر روابط میان دولت‌ها، الگوهای کهن‌تر روابط را به‌نفع انواع جدیدتر آن تغییر داده است. در این میان، الگوی همکاری راهبردی، از آغاز قرن جدید میلادی به‌طور خاص مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته است. تنوع موضوعات همکاری و بازه زمانی فراخ این روابط، نخستین چیزی است که در اسناد همکاری راهبردی مورد توجه قرار می‌گیرد.

- یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های همکاری راهبردی به ماهیت سلسله وسیع منافع مشترک بلندمدت میان دو کشور مربوط می‌شود، منافعی که مستقل از شرایط سیاسی موجود یا اقدام‌های طرف‌های ثالث شکل می‌گیرند.

- جمهوری اسلامی ایران و روسیه در سال‌های اخیر روابط نزدیکی را با یکدیگر تدارک دیده‌اند و همین امر امکان‌سنجی انعقاد یک توافق راهبردی و بلندمدت را به یک بحث مسلط در میان صاحب‌نظران تبدیل کرده است.

- محرکه‌ها و پیش‌ران‌های مختلفی وجود دارد که مسیر اجرای توافق راهبردی جمهوری اسلامی ایران با روسیه را هموار می‌سازد. این محرکه‌ها مجموعه‌ای از متغیرها و اشتراکات

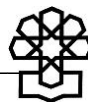
تاریخی، سیاسی، هنجاری و... را دربرمی‌گیرد و تمرکز بر آنها می‌تواند به تقویت اراده دو دولت برای نیل به چنین توافقی منجر گردد.

- ازجمله مهمترین پیشران‌ها و محرکه‌های تأثیرگذار بر تسهیل فرایند انعقاد توافقنامه راهبردی میان ایران و روسیه به سابقه همکاری راهبردی دو کشور در محیط پیرامونی خود مربوط می‌شود. همکاری و مساعی دو کشور در قبال بحران تاجیکستان که درگیری‌های داخلی در این کشور تازه استقلال‌یافته از اتحاد جماهیر شوروی را پایان داد، و نیز همکاری آنها در افغانستان در دهه ۱۹۹۰ ازجمله مهم‌ترین تجارب دو کشور در این زمینه محسوب می‌شود. همچنین همکاری دو کشور در سوریه نقطه عطفی در روابط تهران و مسکو بوده و شاخص‌ترین نماد همکاری راهبردی دو کشور است.

- موضع مشترک جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه در برابر آنچه لیبرال دمکراسی غربی بر جهان تحمیل کرده و همسانی معنادار رویکردهای تجویزی آنها درخصوص آنچه بایسته‌های ضروری نیل به نظم مطلوب جهانی را شکل می‌دهد ازجمله حمایت تهران و مسکو از چندجانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل، از مؤلفه‌های بستر ساز برای برقراری روابط بلندمدت راهبردی میان ایران و روسیه است.

- ادراکات و تصورات مشترک ایران و روسیه از منابع تهدید ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ازجمله تهدیداتی چون یک‌جانبه‌گرایی آمریکا، نقض حقوق بین‌الملل، هژمونی‌طلبی ایالات متحده و اعمال استانداردهای دوگانه در سیاست خارجی قدرتهای غربی پیشران قدرتمندی را برای حرکت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراتیو روسیه به سمت انعقاد یک توافق راهبردی بلندمدت ایجاد کرده است.

- وجود یک تصویر روشن از ثبات و پایداری نظام‌های سیاسی حاکم بر ایران و روسیه



خود پیش‌ران قدرتمندی برای حرکت آنها به سوی یک توافق راهبردی بلندمدت است. هر دو کشور با اطمینان از تداوم این ثبات که شرط لازم برای مبادرت به سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در حوزه روابط خارجی است قادر خواهند بود که با ظرفیت بیشتری به سمت انعقاد توافق راهبردی با یکدیگر روی آورند.

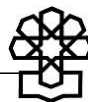
- علی‌رغم پیش‌ران‌ها و محرکه‌های قوی برای انعقاد توافق راهبردی میان جمهوری اسلامی ایران و روسیه، برخی موانع و چالش‌ها نیز فراروی این فرایند وجود دارد. این موانع ممکن است روند رسیدن دو کشور به همکاری راهبردی بلندمدت را با تأخیر مواجه سازند. دخالت و نقش مخرب بازیگران ثالث همچون رژیم صهیونیستی، پایین بودن سطح تعاملات اقتصادی دو کشور و ضعف ارتباطات و تعاملات میان مردم و بخش‌های غیردولتی ایران و روسیه از جمله مهم‌ترین این موانع به حساب می‌آید.

- تلاش برای تغییر ادراک تصمیم‌سازان روس درخصوص عزم و جدیت ایران برای همکاری جامع راهبردی، تدبیر و مدیریت افکار عمومی درخصوص ماهیت و ضرورت توافق راهبردی با روسیه، مدیریت زمانی امضای توافق و عدم همزمانی آن با روند تصویب کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر، ظرفیت‌سازی توافق راهبردی با روسیه در راستای تقویت محور مقاومت، تلاش برای پیوند بیشتر با ساختارهای نهادی فراملی روس‌بنیان و توجه به وجوه نرم‌افزاری روابط راهبردی با روسیه از جمله مهم‌ترین الزامات فراروی انعقاد توافق راهبردی ایران با روسیه است.

مقدمه

طی سال‌های اخیر روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فدراتیو روسیه روند روبه رشدی را تجربه کرده است. دو کشور در خصوص شماری از موضوعات راهبردی خاصه در حوزه مسائل منطقه‌ای، تعاملات نزدیک و مبتنی بر یک الگوی همکاری سازنده را تدارک دیده‌اند که محرکی بالقوه برای پی‌ریزی یک روابط استراتژیک و چندوجهی بوده است. تقویت روابط دو کشور در سال‌های اخیر براساس شاخص‌ها و شواهد مختلفی قابلیت اثبات و تأیید دارد که ازجمله مهم‌ترین آنها سطح بالای تماس‌های دیپلماتیک در عالی‌ترین سطوح میان طرفین و رفت و آمدهای مکرر میان مقامات و مسئولان بلندپایه دو کشور است. این سطح از تماس‌ها و تعاملات هم معلول درک راهبردی نخبگان تصمیم‌ساز دو کشور در باب مطلوبیت توسعه روابط دوجانبه و چندجانبه و هم محصول تطابق مواضع اعلامی و اعمالی دو طرف در باب روندهای کلان حاکم بر نظام بین‌الملل و روایت مشترک آنها در باب الزامات و اقتضائات ناظر بر تغییر ترتیبات کنونی جهانی به یک نظم غیرغربی و عادلانه است.

بدین ترتیب روابط با روسیه از اهمیت و جایگاه قابل اعتنایی در منظومه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برخوردار شده است. اهمیت این روابط با در نظر گرفتن مجموعه تدابیر و تلاش‌ها ازسوی کنشگران رقیب و معارض که بر تحدید محیط عملیاتی فرامرزی ایران و تحمیل یک حصر ژئوپلیتیکی بر کشورمان تمرکز دارند بهتر درک می‌شود. روسیه ازجمله کشورهای منتقد تحریم‌های آمریکا علیه ایران بوده و حتی المقدور تلاش کرده است تا روابط خود با ایران را بدون تأثیرپذیری از دامنه این تحریم‌ها پیگیری



و تعریف کند. همین امر تأثیر مستقیمی بر اراده طرف ایرانی برای تقویت تعاملات با همسایه شمالی خود داشته است.

با توجه به روند روبه رشد روابط دو کشور در سال‌های اخیر، **امکان‌سنجی انعقاد یک توافق راهبردی و بلندمدت** به یک بحث مسلط در میان صاحب‌نظران حوزه روابط ایران و روسیه تبدیل شده است. طبعاً حرکت در این مسیر می‌تواند گام مهمی در جهت پی‌ریزی روابط راهبردی با روسیه به حساب آید که بر مبنای منافع متقابل طرفین متضمن تعامل نزدیک آنها در یک گستره زمانی بلندمدت است.

پیش از ورود به بحث ذکر یک نکته حائز اهمیت است و آن اینکه اخیراً ایران و روسیه در خصوص تمدید موافقتنامه‌ای به توافق رسیدند که حدود بیست سال قبل به امضا رسیده بود. این معاهده تحت عنوان «**قانون معاهده اساس روابط متقابل و اصول همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه**» در روسیه و توسط رؤسای جمهور وقت دو کشور امضا شد. مدت این معاهده در اصل یک معاهده ۱۰ ساله بود که به صورت دوره‌های ۵ ساله تمدید شد و با توجه به اینکه دوره ۵ ساله دوم آن به اتمام رسیده بود، در جریان سفر اخیر وزیر امور خارجه روسیه به تهران، تمدید و به امضای وزرای امور خارجه دو کشور رسید.

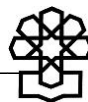
این توافق، مشتمل بر یک مقدمه و ۲۱ ماده است و برخی از مهم‌ترین مفاد و محورهای آن شامل مواردی چون احترام به اصل حاکمیت، پرهیز از توسل به زور، جلوگیری از مساعدت نظامی به کشور ثالث در صورت حمله به دو کشور ایران و روسیه، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، تلاش برای ایجاد شرایط مناسب در حوزه‌های حقوقی،

اقتصادی و...، گسترش مناسبات بلندمدت در زمینه انرژی و سایر فناوری‌ها، انعقاد موافقتنامه‌های جداگانه برای جهت‌دهی به مبادلات و همکاری منطقه‌ای در زمینه حمل‌ونقل و همکاری در زمینه مبارزه علیه تروریسم می‌شود.

علی‌رغم تنوع و تکثر در موضوعات مندرج در این توافق، روند حاکم بر روابط دو کشور طی بیست سال گذشته مؤید آنست که این توافق در عمل و به‌ویژه از حیث ملاحظات و اهداف اقتصادی نتوانسته است بر کلیت روابط دو کشور تأثیرگذار باشد و به‌مبنای محکمی برای تحول در روابط دو کشور تبدیل شود. اساساً تنظیم روابط دو کشور در طول این سال‌ها کمتر براساس اعتنا و اتکا به این توافق به انجام رسیده و تحول راهبردی صورت گرفته در همکاری‌های دو کشور در حوزه مسائل منطقه‌ای نظیر بحران سوریه نیز بیش از آنکه مبتنی بر ملاحظات و الزامات این توافق باشد محصول درک نخبگان نظامی و سیاسی دو کشور از اقتضائات زمانی و تحولات میدانی و تفاهم

آنها درخصوص ضرورت همکاری راهبردی اجتناب ناپذیر در منطقه بوده است.

به همین دلیل توافق مذکور نمی‌تواند به‌عنوان بدیل و جایگزین سند جامع همکاری‌های راهبردی- آن‌گونه که مد نظر این گزارش است- لحاظ شود. سند همکاری‌های راهبردی با روسیه باید نقطه آغاز و عزیمتی بزرگ برای پی‌ریزی روابطی جدید، همه‌جانبه و چندوجهی با این کشور باشد و بستری را برای تبدیل مسکو به شریک استراتژیک بلندمدت جمهوری اسلامی ایران فراهم سازد. درواقع این سند مهم‌ترین نیروی پیشران تحول عمیق در روابط دو کشور خواهد بود. طبعاً برای دستیابی به چنین سندی ارزیابی دقیق ظرفیت‌ها و منابع بالقوه و بالفعل پیش‌برنده روابط



دو کشور و شناسایی فرصت‌ها و موانع فراروی آن از اهمیت بالایی برخوردار است. این سند همچنین نمی‌تواند بدون سپری شدن یک پروسه زمانبر دیپلماتیک که اجماع دو کشوری بر سر مفاد و محتوای آن را میسر سازد محقق شود. در گزارش حاضر ضمن تلاش برای بیان مفهوم‌بندی شده سنخ روابط راهبردی، به مهم‌ترین عوامل پیش‌برنده این نوع از روابط میان ایران و روسیه اشاره شده و ضمن تبیین برخی از چالش‌ها و محدودیت‌های فراروی این روند، الزامات و اقتضائات ناظر بر آن تشریح خواهد شد.

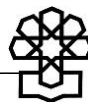
چیستی همکاری راهبردی

برای بحث و بررسی درخصوص موضوع انعقاد یک سند راهبردی میان ایران و روسیه که منطقاً بنیانی برای شکل‌گیری یک شراکت استراتژیک میان دو کشور خواهد بود ضرورت دارد تا به‌لحاظ مفهومی تصویری درست از یک چنین شراکتی ترسیم گردد. از این‌رو در بخش اول گزارش در باب چیستی شراکت استراتژیک یا همکاری راهبردی^۱ در روابط میان دو دولت مطالبی ارائه می‌شود.

به‌طور کلی، روابط میان دولت‌ها بر حسب اجزای کیفی و کمی تعامل‌شان از الگوهای مختلفی تبعیت می‌کند. الگوهایی همچون ائتلاف، اتحاد، همکاری، شراکت و مناقشه برای توصیف وضعیت حاکم بر روابط کشورها در نظام بین‌الملل به‌کار می‌رود. در چنین شرایطی، واژه پربسامد «راهبردی» یا «استراتژیک» که بر منافع فزاینده و بازه

زمانی بسیط روابط دلالت دارد، برای تأکید بر غنای محتوایی و کارکردی الگوی روابط مورد استفاده قرار می‌گیرد. امروزه، البته ابعاد وسیع‌تر و ماهیت پیچیده‌تر روابط میان دولت‌ها الگوهای کهن‌تر روابط را به نفع انواع جدیدتر آن تغییر داده است. در این میان، الگوی همکاری راهبردی، از آغاز قرن جدید میلادی مورد توجه قرار گرفته است. برخی منابع تأکید دارند که این عبارت به‌ندرت پیش از دهه ۱۹۹۰ میلادی در روابط بین‌الملل مورد استفاده قرار گرفته است. در دهه‌های اخیر، اما الگوی مشارکت استراتژیک به‌طور فزاینده‌ای وارد دکترین‌های سیاست خارجی، اسناد حقوقی دوجانبه، الفاظ مورد استفاده سیاستمداران و متون علمی متخصصان حوزه روابط بین‌الملل شده است. امروزه، اتحادیه اروپا بیش از ۱۰ سند مشارکت استراتژیک را به امضا رسانده است. روسیه بیش از ۱۴ سند مشارکت راهبردی را با کشورهای دیگر امضا کرده است. این رقم برای هند به بیش از ۲۰ سند و برای چین به بالاتر از ۵۰ عدد می‌رسد. **تنوع موضوعات همکاری و بازه زمانی فراخ این روابط** نخستین چیزی است که در اسناد مشارکت راهبردی مورد توجه قرار می‌گیرد (Mirfakhraei, 2017:27-28).

مشارکت و همکاری راهبردی علی‌رغم محبوبیت در رویه دیپلماسی مدرن و نیز در رسانه‌های جمعی هنوز از یک جزئیات تئوریک مورد وثوق برخوردار نیست (Czechowska, 2013: 46). به همین دلیل در این مورد که دقیقاً باید از چه عبارتی -شرکت یا همکاری- در مورد این سنخ از روابط بهره برد اجماعی شکل نگرفته است. با وجود تعاریف و کارکردهای متکثری که بر روابط معطوف به مشارکت یا همکاری راهبردی اطلاق می‌شود، این نوع از روابط شماری از اصول و اجزای حداقلی و حداکثری متمایز را



در خود جای داده است. از نظر مانسینگ،^۱ مشارکت راهبردی هنگامی شکل می‌گیرد که دو حکومت برای افزایش سطح تعاملات خود به توافق می‌رسند تا روابط خود را از کمترین سطح به بیشترین سطوح ارتقا دهند و با کثیری از موضوعات و مسائلی سروکار پیدا نمایند که دو طرف را به‌نحوی جامع نسبت به پیگیری همکاری و تفاهم علاقمند سازد و تعهدات بلندمدتی را برای همکاری متقابل و پیشبرد اهداف مورد نظر خود شکل دهند.

براساس یک تعریف دیگر، هفت ویژگی اساسی برای آغاز مشارکت راهبردی میان دولت‌ها ذکر شده است که عبارتند از:

۱. ماهیت شراکت‌گونه روابط،
 ۲. تقارب اهداف راهبردی طرف‌های متفاوت،
 ۳. باور متقابل به این امر که از طریق مجموعه‌ای از تلاش‌ها می‌توان بخت اجرای اهداف منسجم راهبردی را افزایش داد،
 ۴. همکاری موثق و بلندمدت برای اجرای اهداف مشترک،
 ۵. ترجیح و تراکم تماس‌هایی که از سطح عادی روابط با سایر شرکا فراتر می‌رود،
 ۶. زیرساخت‌های بسیار توسعه‌یافته روابط،
 ۷. وجود یک جو و فضای مثبت در مورد روابط دوجانبه (Mirfakhraei, 2017:29).
- از یک منظر دیگر، در میان تعاریف مختلف مربوط به مشارکت استراتژیک و جوانب متفاوتی از این عبارت که کارشناسان مطرح کرده‌اند چهار ویژگی اساسی، متمایز هستند: نخستین ویژگی به ماهیت سلسله وسیع منافع مشترک بلندمدت مربوط می‌شود،

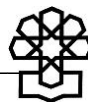
منافعی که مستقل از شرایط سیاسی موجود یا اقدام‌های طرف‌های ثالث هستند. داشتن یک دشمن مشترک یا آسیب دیدن از یک بحران شدید منطقه‌ای الزاماً تضمینی برای شکل‌گیری یک مشارکت راهبردی نیست. ممکن است یک بحران منطقه‌ای یا جهانی مشترک روزی پایان یابد، اما این به معنای پایان مشارکت راهبردی دو کشور مستقل نیست. البته طبیعی است که موضوع تهدید یا دشمن مشترک عاملی تأثیرگذار و محرک برای روی آوردن به روابط راهبردی دوجانبه است.

ویژگی دوم، اشتیاق طرفین برای تعیین اهداف راهبردی اساسی است که تنها می‌تواند از طریق تلاش‌های پایدار مشترک حاصل شود. این ویژگی نشان می‌دهد که یک مشارکت راهبردی چه تفاوتی با اتحاد تاکتیکی دارد.

ویژگی سوم به وجود یک چارچوب توسعه یافته حقوقی و مبتنی بر قانون برای همکاری و نیز سازوکارهای مؤثر برای همکاری در حوزه‌های مختلف مربوط می‌شود. از این منظر، صرف صدور اعلامیه‌ها و برگزاری اجلاس‌های سیاسی برای آنکه روابط میان دو کشور مشارکت راهبردی تمام‌عیار خوانده شود کفایت نمی‌کند.

ویژگی چهارم ناظر بر سطح بالای اعتماد میان رهبران سیاسی کشورهای درگیر در مشارکت راهبردی و بیش از آن سطح بالایی از علاقمندی، تفاهم و اعتماد متقابل میان مردم دو کشور است. بدون حمایت گسترده عمومی، حتی گرم‌ترین دوستی‌ها میان رهبران کشورها و تعامل پایدار میان بوروکراسی‌های دو کشور برای تأمین و تضمین روابط باثبات کافی نیست (Kortunov, 2018).

اکنون با توضیح اجمالی در باب مختصات یک روابط راهبردی میان دو دولت، قابلیت تعمیم‌پذیری این الگو برای روابط ایران و روسیه در ادامه گزارش مورد بحث قرار می‌گیرد



و در راستای سنجش امکان شکل‌گیری چنین روابطی میان تهران و مسکو پیش‌ران‌ها و محدودیت‌های ناظر بر این فرایند تشریح می‌شوند.

پیش‌ران‌های پی‌ریزی روابط راهبردی با روسیه

ازجمله مفروضات اصلی این گزارش آنست که چنانچه جمهوری اسلامی ایران درصدد پی‌ریزی روابطی راهبردی با شماری از دولت‌ها در نظام بین‌الملل باشد و صورت‌بندی مشخصی از ترجیحات خود را برای چنین روابطی تنظیم نماید، بلاشک روسیه در زمره اولین کشورها برای شکل دادن به چنین روابطی خواهد بود. محرکه‌ها و پیش‌ران‌های مختلفی وجود دارد که مسیر اجرای توافق راهبردی با روسیه را هموار می‌سازد. این محرکه‌ها مجموعه‌ای از متغیرها و اشتراکات تاریخی، سیاسی، هنجاری و ... را دربرمی‌گیرد و تمرکز بر آنها می‌تواند به تقویت اراده دو دولت برای نیل به چنین توافقی منجر گردد. در اینجا به مجموعه‌ای از این متغیرها اشاره شده و تأکید می‌شود که وجود آنها زمینه مناسب و مستعدی را برای تبدیل ماهیت روابط ایران و روسیه به یک روابط استراتژیک از طریق امضای توافق راهبردی فراهم می‌آورد.

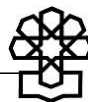
۱. برخورداری از سابقه و تجربه موفق در زمینه همکاری راهبردی موردی

همکاری‌های راهبردی در موضوعات خاص می‌تواند محرک بسترسازی برای شکل دادن به توافقات راهبردی بلندمدت و چندجانبه باشد. اساساً سابقه شکل دادن به همکاری‌های راهبردی موردی که تجربه موفق از همکاری‌های مشترک دو بازیگر مستقل را به ثبت

می‌رسانند می‌تواند به‌عنوان پیش‌نیاز ضروری برای ورود آنها به مرحله شراکت استراتژیک دائمی در نظر گرفته شود.

ایران و روسیه در سطح محیط پیرامونی سابقه دو همکاری مشخص را در دهه ۱۹۹۰ میلادی به ثبت رسانده‌اند. هر دو مورد با تلاش مسکو و تهران برای مقابله با بی‌ثباتی و ناامنی در منطقه ارتباط دارد. **همکاری و مساعی دو کشور در قبال بحران تاجیکستان** که درگیری‌های داخلی در این کشور تازه‌استقلال یافته از اتحاد جماهیر شوروی را پایان داد نمونه بارزتری از موفقیت تهران و مسکو در عرصه همکاری‌های منطقه‌ای و در سطحی راهبردی است. روسیه به‌ویژه پس از آنکه شماری از نیروهایش در بحبوحه جنگ داخلی تاجیکستان کشته شدند بیش از پیش به ضرورت پایان بخشیدن به این جنگ واقف شد. در این میان باتوجه به نفوذ جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان، روسیه ضرورت ورود ایران به پروسه دیپلماتیک اختتام جنگ را مضاعف دید. بر این اساس، تهران و مسکو در بهار ۱۹۹۴ مذاکرات میان طرف‌های متخالف در تاجیکستان را مدیریت کردند. نهایتاً با تلاش‌های دو طرف در فوریه ۱۹۹۷ میان حکومت و نیروهای اپوزیسیون موافقتنامه‌ای به امضا رسید. پس از آن نیز ایران و روسیه به‌منظور حفظ توافق صلح میان طرفین تماس‌های نزدیک با یکدیگر را ادامه دادند (Freedman, 2000). تردیدی نیست که **همکاری نزدیک ایران و روسیه مهم‌ترین نقش را در پایان بخشیدن به جنگ داخلی تاجیکستان** به‌همراه داشت و بدین ترتیب احتمال تسری ناامنی‌ها در تاجیکستان به کل منطقه آسیای مرکزی از بین رفت.

ایران و روسیه همچنین در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ میلادی و همزمان با **قدرت‌گیری**



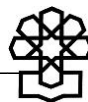
طالبان در افغانستان تماس‌ها و همکاری‌های منطقه‌ای میان خود را افزایش دادند. حضور روسیه در کنفرانس تهران که با هدف بررسی اوضاع افغانستان برگزار شده بود زمینه‌ای را برای افزایش تعاملات دو کشور در افغانستان فراهم آورد. روسیه که نگران نفوذ طالبان در آسیای مرکزی و حتی بخش‌هایی از خود روسیه بود منافع مهمی در مهار طالبان داشت. به همین دلیل در جریان سفر پریماکوف به تهران در دسامبر ۱۹۹۶ موضوع افغانستان یکی از مهم‌ترین موضوعاتی بود که مقامات دو کشور در مورد آن رایزنی و تبادل نظر کردند. به علاوه تبدیل افغانستان تحت حاکمیت طالبان به بهشتی برای قاچاقچیان بین‌المللی موادمخدر موجبات نگرانی مشترک ایران و روسیه را فراهم می‌ساخت و به همین دلیل آنها در سال ۱۹۹۹ موافقتنامه‌ای را برای مبارزه با تجارت موادمخدر به امضا رساندند (Freedman, 2000). همچنین همکاری ایران و روسیه در حمایت از ائتلاف شمال افغانستان در برابر حملات طالبان طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ جنبه دیگری از همکاری راهبردی دو کشور در قبال مسائل افغانستان را به تصویر می‌کشید (karami, 2017). ضمن آنکه پس از سقوط طالبان و روی کار آمدن دولت حامد کرزای نیز ایران و روسیه با حمایت از حکومت مرکزی افغانستان خواستار آن بودند که دولت این کشور قادر به حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت افغانستان بوده و کنترل امور کل کشور را در اختیار داشته باشد (Lukyanov, 2018).

بر این اساس می‌توان تأیید کرد که **همکاری راهبردی ایران و روسیه در قبال دو محیط بحرانی تاجیکستان و افغانستان** در دهه‌های قبل و تجربه موفق دو کشور در این زمینه، محرک مؤثری برای بسط همکاری‌های دو کشور در سطحی استراتژیک،

بلندمدت و دارای تنوع و تکثر از حیث موضوعات تحت پوشش به حساب می‌آید.

۲. تداوم همکاری راهبردی در سوریه

همکاری راهبردی ایران و روسیه در بحران سوریه و حمایت آنها از دولت مرکزی و قانونی این کشور و ایستادگی در برابر اقدامات تروریست‌ها و حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی آنها را می‌توان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پیش‌ران‌های همکاری‌های راهبردی تهران و مسکو به حساب آورد. اجماع قابل تأییدی در میان کارشناسان و صاحب‌نظران سیاسی و بین‌المللی وجود دارد که چنانچه همکاری تهران و مسکو در بحران سوریه شکل نمی‌گرفت شرایط این بحران امروز ترتیبات و سرنوشت دیگری داشت. در این میان توجه به این نکته مهم حائز اهمیت است که **ویژگی‌های متفاوت و متمایز بحران سوریه** نسبت به دو بحران افغانستان و تاجیکستان که پیش‌تر مورد اشاره قرار گرفت به سیاقی بوده است که همکاری ایران و روسیه در قبال آن را از اهمیت راهبردی به مراتب بیشتری برخوردار کرده است. نخست اینکه باید در نظر داشت که بحران سوریه در قیاس با بحران دو کشور فوق‌الذکر، محیط عملیاتی و آفندی و پدافندی بسیار عمیق‌تر و پیچیده‌تری داشته است که ورود در آن را برای هر بازیگری دشوارتر می‌سازد. دوم آنکه، **سطح دخالت و قدرت‌های درگیر در بحران سوریه** به مراتب بیشتر و بالاتر از دو بحران تاجیکستان و افغانستان بوده و تهران و مسکو ناگزیر از مواجهه و رویارویی با طیف قدرتمندتر و متنوع‌تری از کنشگران منطقه‌ای و بین‌المللی در بحران سوریه بوده‌اند و سوم آنکه درحالی که دامنه دو بحران تاجیکستان و افغانستان عمدتاً مرزبندی مشخصی داشته و محدود و محصور به



مرزهای این دو کشور بود، در بحران سوریه طراحی‌ها فراتر از مرزهای این کشور بوده و مسببان بی‌ثباتی و ناآرامی در سوریه طراحی‌هایی فراتر از مرزهای این کشور و به وسعت کل منطقه غرب آسیا مد نظر داشته‌اند.

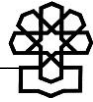
طبیعی است که همکاری ایران و روسیه در یک چنین بحران خطیری به مراتب از اهمیت راهبردی بالاتری نسبت به همکاری‌های دو کشور در دهه ۱۹۹۰ برخوردار است. از همین‌روست که همکاری دو کشور در سوریه نقطه عطفی در روابط تهران و مسکو قلمداد می‌شود و شاخص‌ترین نماد همکاری راهبردی دو کشور به حساب می‌آید. مداخله روسیه در بحران سوریه پس از مشورت‌های مهمی بود که جمهوری اسلامی ایران و به‌ویژه سردار شهید حاج قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به طرف روسی ارائه داد تا مسکو با درک تبعات مخرب تحقق اهداف تروریست‌ها در سوریه نسبت به ورود فعال در این بحران اقدام ورزد. روسیه از طریق مداخله نظامی به نفع دولت قانونی سوریه عملاً به متحد دوفاکتو جمهوری اسلامی ایران در جنگ سوریه تبدیل شد (Rodkiewicz, 2020: 3). به همین دلیل برخی کارشناسان، بحران سوریه را به مثابه نوعی «تغییردهنده بازی»^۱ در روابط ایران و روسیه قلمداد می‌کنند (Kozhanov a, 2020: 140). همچنان‌که مورد اشاره قرار گرفت منظور آنست که این بحران به نقطه عطفی در تاریخ تعاملات و روابط ایران و روسیه تبدیل شده است. بر این اساس و پس از همکاری‌های نزدیک و گسترده در بحران سوریه که با موفقیت دو کشور در مقابله با تروریست‌ها و حامیان بین‌المللی آنها و تثبیت حاکمیت دولت قانونی

سوریه همراه بود زمینه و زمان برای انعقاد یک توافق راهبردی کلان و بلندمدت میان ایران و روسیه بیش از پیش فراهم شده است.

۳. همکاری در سایر حوزه‌های راهبردی

ایران و روسیه علاوه بر همکاری در سطح منطقه‌ای، در سطح روابط دوجانبه نیز سابقه همکاری‌ها در سطح راهبردی را داشته و به آن ادامه می‌دهند. در اینجا به‌طور مشخص می‌توان به همکاری‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران و روسیه و نیز همکاری‌های دو کشور در حوزه‌های دفاعی و تسلیحاتی اشاره کرد. اهمیت مبادرت به این همکاری‌ها از آن جهت است که در هر دو حوزه فشارهای سازمان‌یافته وسیعی از سوی کشورهای غربی برای جلوگیری از این همکاری‌های به‌انجام رسیده است. در حوزه هسته‌ای که اهمیت راهبردی چشمگیری دارد روسیه تنها دولتی در جهان بوده است که علی‌رغم فشارهای گسترده کشورهای غربی سیاست همکاری با جمهوری اسلامی ایران را در این حوزه در دستور کار قرار داد. نماد اصلی این همکاری به ساخت و راه‌اندازی نیروگاه اتمی بوشهر مربوط می‌شود که قرارداد آن در دهه ۱۹۹۰ میان دو کشور به امضا رسید. این درحالی است که «روس‌اتم» شرکت دولتی روسیه که در زمینه انرژی هسته‌ای فعالیت می‌کند در حال اجرای مرحله دوم ساخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر (واحد‌های دوم و سوم) با ظرفیت کلی ۲۱۰۰ مگاوات است (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۰). شایان ذکر است که در نوامبر ۲۰۱۴، روسیه و ایران قراردادی را برای ساخت واحد‌های دوم و سوم نیروگاه بوشهر امضا کردند.

در حوزه تسلیحاتی که از دیگر نمادهای همکاری‌های راهبردی میان دولت‌ها در



نظام بین‌الملل به حساب می‌آید نیز ایران و روسیه تعاملات نزدیکی با یکدیگر داشته‌اند و این در حالی است که در این حوزه نیز فشارها و تحریم‌های مختلفی از سوی دولت‌های غربی علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال شده است. تحویل سامانه موشکی اس-۳۰۰ روسیه به ایران علی‌رغم فشارهای شدید به روسیه برای عدم تحویل این سامانه به ایران به‌ویژه از سوی رژیم صهیونیستی را می‌توان نقطه اوج همکاری‌های دفاعی و تسلیحاتی تهران و مسکو به حساب آورد. حساسیت غرب نسبت به انتقال این سامانه موشکی به سایر کشورها به اندازه‌ای است که اقدام ترکیه در خریداری نوع اس-۴۰۰ آن از روسیه بحث‌های جدی را در داخل پنتاگون و نیز در درون سازمان ناتو مبنی بر بازنگری در روابط نظامی با آنکارا ایجاد کرده است. طبیعی است که این حساسیت در مورد جمهوری اسلامی ایران دوچندان بوده و فشارها بر مسکو برای عدم تحویل آن به ایران چند برابر بوده است. با وجود چنین فشارهای فزاینده‌ای، اهمیت راهبردی انتقال این سامانه به ایران بهتر تبیین و درک می‌شود. جنبه راهبردی روابط تسلیحاتی ایران و روسیه آنگاه تصویر روشن‌تری به خود می‌گیرد که نقش مؤثر روسیه در ناکام ماندن تلاش‌های آمریکا در سال قبل برای تمدید تحریم‌های تسلیحاتی سازمان ملل علیه ایران که در مهرماه گذشته ملغی گردید را در نظر آوریم.

۴. قرابت گفتمانی و هنجاری در قبال نظم بین‌الملل

وجود نوعی هماوایی و هم‌نوایی در خصوص روندها، رویه‌ها، اصول و هنجارهای جهانی و برخورداری از موضع مشترک در برابر آنها می‌تواند به‌عنوان یکی از محرکه‌های تأثیرگذار بر

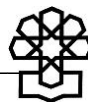
شکل‌گیری شراکت راهبردی میان دو یا چند بازیگر و چه‌بسا از شروط لازم برای برپایی چنین شراکتی قلمداد شود. کما اینکه تفاهم بر سر اصول و ارزش‌های لیبرال-دمکراسی در گستره جهانی آن، سنگ بنای شراکت راهبردی دولت‌های غربی با یکدیگر را شکل داده است.

موضع مشترک جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه در برابر آنچه نظم لیبرال-دمکراسی غربی بر جهان تحمیل کرده و همسانی معنادار رویکردهای تجویزی آنها درخصوص آنچه بایسته‌های ضروری نیل به نظم مطلوب جهانی را شکل می‌دهد از مؤلفه‌های بستر ساز برای برقراری روابط بلندمدت راهبردی میان ایران و روسیه است.

دو کشور از حامیان اصلی چندجانبه‌گرایی^۱ در نظام بین‌الملل هستند. رهیافت مسکو به چندجانبه‌گرایی جدید نیست و به دکترین پریماکوف^۲ بازمی‌گردد و درواقع به مواضع نخست‌وزیر سابق این کشور در اواخر دهه ۱۹۹۰ اشارت دارد (Stronski, Sokolsky, 2020: 3). جمهوری اسلامی ایران نیز با اتخاذ موضعی انتقادی نسبت به نظم کنونی بین‌الملل از توسعه چندجانبه‌گرایی در جهان حمایت کرده است. ایران و روسیه همچنین نسبت به توسعه تعامل و همکاری در نظام بین‌الملل، برقراری نظام چندقطبی، احترام به استقلال و حق حاکمیت ملی کشورها موضعی همسان داشته و بر ضرورت بنا نهادن نظم جدید جهانی مطابق با این اصول و ارزش‌ها تأکید می‌ورزند. این اشتراک در گفتمان و ارزش‌های مورد حمایت، خود مبنا و محرکی قوی برای رسیدن به توافقی راهبردی و بلندمدت در نظام بین‌الملل است.

1. Multilateralism

2. Primakov Doctrine



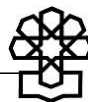
۵. ادراک مشترک از تهدید مشترک

ایران و روسیه درک مشترکی از شماری از روندهای مخرب حاکم بر سیاست بین‌الملل دارند و آنها را هم برای ثبات جهانی و هم برای موقعیت دولت‌های مستقل در جهان تهدید تلقی می‌کنند. روندهایی چون یک‌جانبه‌گرایی، نقض حقوق بین‌الملل، هژمونی‌طلبی ایالات متحده، اعمال استانداردهای دوگانه^۱ در سیاست خارجی قدرت‌های غربی و مواردی از این قبیل از نظر هر دو کشور رویه‌های تهدیدزا در نظام بین‌الملل به حساب می‌آیند که باید با آنها مقابله کرد. جمهوری اسلامی ایران چنین سیاست‌هایی را تهدید جدی برای امنیت کل جهان قلمداد می‌کند. از نظر روسیه نیز ایالات متحده در اجرای یک‌جانبه‌گرایی زمانی که بدان نیاز داشته باشد تردیدی نخواهد کرد و دقیقاً همین استاندارد دوگانه است که موجبات فرسایش قواعد جهانی را فراهم کرده است (Gabuev, Chernenko, 2019). پیگیری چنین روندهایی از سوی دولت‌های غربی به‌ویژه ایالات متحده آمریکا منشائی برای شکل‌گیری سیاست‌های تخصیصی علیه دولت‌های مستقل همچون جمهوری اسلامی ایران و روسیه بوده است. روح حاکم بر روندهای مخربی چون یک‌جانبه‌گرایی و بی‌اعتنایی به حقوق بین‌الملل محصولی چون تحریم را به‌بار می‌آورد که در حال حاضر هم ایران و هم روسیه به‌انحای مختلف گرفتار آن هستند. جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب با تحریم‌های اقتصادی آمریکا مواجه بوده و شدیدترین تحریم‌های تاریخ را در دوره زمامداری ترامپ و در قالب کارزار فشار حداکثری، تجربه کرده است. روسیه نیز برای سال‌های مدید هدف تحریم‌های کشورهای غربی بوده و به‌ویژه پس از اوج‌گیری بحران اوکراین شاهد

حجم بی‌سابقه‌ای از تحریم‌ها از سوی کشورهای غربی بوده است. جدا از موضوع تحریم‌ها هر دو کشور سال‌هاست که هدف طراحی‌های نرم‌افزارانه آمریکا و متحدانش با هدف تغییر نظام‌های سیاسی حاکم بر آنها بوده‌اند. جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون یک هدف مشخص از اقدامات براندازانه آمریکا که محصول اجماع دوحزبی در ساختار حاکمیتی آمریکاست بوده و دولت روسیه نیز کارزارهای سیاسی چون طراحی انقلاب‌های رنگی^۱ در کشورهای پیرامونی روسیه و تلاش برای تسری این الگو به داخل قلمرو روسیه را نیز در همین چارچوب تفسیر و تعبیر می‌کند. مجموع این ادراکات و تصورات مشترک از منابع تهدید ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی پیشران قدرتمندی را برای حرکت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراتیو روسیه به سمت انعقاد یک توافق راهبردی بلندمدت ایجاد کرده است. چه اینکه همگرایی برای رفع یا تخفیف تهدیدات مشترک یکی از انگیزه‌های همکاری استراتژیک میان دولت‌ها به حساب می‌آید.

۶. ثبات درون حاکمیتی در ایران و تثبیت ایت سیاسی در روسیه

برای رسیدن به یک توافق راهبردی و بلندمدت میان دو دولت مستقل در نظام بین‌الملل وجود چشم‌انداز روشنی از ثبات حاکمیتی و درون‌سیستمی در هریک از دو دولت از اهمیت اساسی برخوردار است. طبیعی است که نظام‌های سیاسی متزلزل و فرومانده که در معرض کثیری از تهدیدات آشوب‌ساز و بی‌ثبات‌کننده قرار دارند امکان بالا و مطمئنی برای مشارکت در ترتیبات بلندمدت و پایدار که نیازمند ثبات حاکمیتی است ندارند. طبعاً



هر چقدر که نظام‌های سیاسی از ثبات بیشتری برخوردار بوده و زیستی تثبیت شده داشته باشند شرایط بهتری برای ورود به چنین ترتیباتی خواهند داشت.

در حال حاضر هم جمهوری اسلامی ایران و هم جمهوری فدراتیو روسیه با پشت سرگذاشتن طیف متنوعی از چالش‌ها و تهدیدات طی دهه‌های اخیر به شرایط تثبیت شده‌ای در نظام بین‌الملل دست یافته‌اند به نحوی که علاوه بر ارتقای ضریب ثبات حاکمیتی در داخل، ظرفیت بالا و غیرقابل انکاری در حوزه قدرت افکنی فرامرزی نیز تحصیل کرده‌اند. جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون با انواعی از تدابیر و ترفندهای سیاسی، اقتصادی و نظامی دشمنان خود مواجه بوده که هدف نهایی تغییر رژیم را دنبال می‌کردند. تاب‌آوری در برابر همه این اقدامات، اجماع قابل تأییدی را در مورد نهادینگی سیستم سیاسی و ثبات درون حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است که خود زمینه مؤثر برای بسط نفوذ و قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بوده است. در طرف مقابل، روسیه نیز پس از عبور از تحولات پرتلاطم دهه ۱۹۹۰ و غلبه بر مجموعه اقدامات خصمانه‌ای که با هدف تضعیف نظام سیاسی این کشور سازماندهی شدند، چند سالی است که با تثبیت موقعیت الیت حاکم به رهبری پوتین در مسیر بسط قدرت بین‌المللی خود گام برداشته و مشارکت بیشتری در روند تعیین ترتیبات و تحولات جهانی دارد. گواه این ادعا آنکه روسیه با ورود فعال و اثرگذار در بحران سوریه برای اولین بار پس از فروپاشی شوروی در ورای محدوده حوزه خارج نزدیک^۱ به عملیات و ایفای نقش پرداخت و نفوذ بین‌المللی خود را وسعت بخشید. ضمن آنکه در حال حاضر به دلیل

1. Near Abroad

محبوبیت قابل توجه ولادیمیر پوتین در داخل روسیه و فراهم شدن زمینه‌های قانونی تداوم ریاست جمهوری وی تا سال ۲۰۳۶ در مورد تداوم ثبات سیاسی موجود در روسیه اجماع نظر مشهودی وجود دارد. چنین تصویر روشنی از ثبات و پایداری نظام‌های سیاسی حاکم بر ایران و روسیه خود پیش‌ران قدرتمندی برای حرکت آنها به سوی یک توافق راهبردی بلندمدت است. هر دو کشور با اطمینان از تداوم این ثبات که شرط لازم برای مبادرت به سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در حوزه روابط خارجی است قادر خواهند بود که با ظرفیت بیشتری به سمت انعقاد توافق راهبردی با یکدیگر روی آورند.

محدودیت‌ها و چالش‌های فراروی انعقاد توافق راهبردی

علی‌رغم پیش‌ران‌ها و محرکه‌های قوی برای انعقاد توافق راهبردی میان جمهوری اسلامی ایران و روسیه، طبیعی است که برخی موانع و چالش‌ها نیز فراروی این فرایند وجود داشته باشد. این موانع ممکن است روند رسیدن دو کشور به همکاری راهبردی بلندمدت را با تأخیر مواجه سازند و یا حتی در مواردی امکان چنین همکاری را از بین ببرند. این موانع را می‌توان در دودسته کلی تقسیم‌بندی کرد. دسته اول به موانعی مربوط می‌شوند که ناشی از مداخله یا نقش‌آفرینی بازیگران ثالث است و دسته دوم با ماهیت دوجانبه روابط ایران و روسیه ارتباط دارند. طبعاً این نیاز وجود دارد که تصمیم‌گیرندگان هر دو کشور برای نیل به توافق راهبردی بر هر دو دسته از موانع مذکور فایق آیند و به‌ویژه در مورد دسته دوم از چالش‌های فراروی همکاری راهبردی، در یک فرایند بلندمدت زمینه رفع آنها که نقاط ضعف روابط دوجانبه ایران و روسیه محسوب می‌شوند را فراهم سازند.



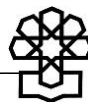
۱. نقش مخرب بازیگران ثالث

شماری از دشمنان جمهوری اسلامی ایران که به انواع و انحاء مختلف درصد تحدید محیط عملیاتی ایران در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی و تحمیل انزوا ژئوپلیتیکی بر کشورمان هستند تلاش مستمری دارند تا روابط روبه رشد تهران و مسکو را متوقف ساخته و طرف روس را به تجدیدنظر در روابط خود با ایران متقاعد سازند. چنین روندی مطلوب دولت‌های متخاصمی چون ایالات متحده آمریکا و برخی بازیگران منطقه‌ای نظیر عربستان سعودی نیز هست، اما بیشترین کنشگری در این زمینه ازسوی رژیم صهیونیستی به‌انجام می‌رسد. هر چند واشنگتن طی سال‌های گذشته تلاش آشکاری برای جلوگیری از توسعه روابط تهران و مسکو داشته است، اما محدودیت‌های ساختاری حاکم بر روابط آن با روسیه که از تضادها و تراحم‌های عمیق در این روابط حکایت دارد سبب شده که ایالات متحده عمدتاً با استفاده از راهبرد تهدید و فشار، مسکو را وادار به پذیرش این مطالبه خود نماید و کمتر امکان بهره‌گیری از دیپلماسی در شکل تعاملی آن را در این رابطه داشته باشد. در این میان رژیم صهیونیستی به‌واسطه روابط غیرتنش‌آلود خود با روسیه عمدتاً در قالب دیپلماسی و رایزنی‌های سیاسی درصدد منصرف ساختن مسکو از توسعه روابط خود با جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در ابعاد راهبردی است. این موضوع در تماس‌های مقامات مختلف رژیم صهیونیستی با سیاستمداران روس و رفت و آمدهای مکرر آنها به مسکو در سال‌های اخیر همواره یکی از دستورکارهای اصلی سران صهیونیست بوده است. تل‌آویو همچنین تلاش کرده است تا با هدف محدود ساختن روابط مسکو با تهران، در چارچوب تحرکات دیپلماتیک زمینه نزدیکی روسیه به آمریکا را در این مورد

خاص فراهم سازد. بر همین اساس رژیم صهیونیستی در ژوئن ۲۰۱۹ میزبان نشست میان مشاور امنیت ملی این رژیم با همتایان روس و آمریکایی خود در بیت‌المقدس بود تا مسکو را نسبت به همراهی با واشنگتن و تل‌آویو برای مهار جمهوری اسلامی ایران و تجدیدنظر در روابط خود با ایران متقاعد سازد (Grove, 2019). هرچند تاکنون تلاش‌های مقامات صهیونیست برای متقاعد کردن روسیه جهت متوقف کردن همکاری‌های خود با ایران به نتیجه نرسیده است، اما به‌طور قطع با مطرح شدن زمزمه‌های انعقاد توافق همکاری‌های راهبردی روسیه با ایران تحرکات این رژیم برای به نتیجه نرسیدن این توافق از طریق اعمال فشار دیپلماتیک بر مسکو افزایش چشمگیری خواهد یافت و طبعاً مقامات روس نیز این موضوع را به‌عنوان یک چالش در توسعه همکاری‌های راهبردی خود با جمهوری اسلامی ایران در نظر خواهند گرفت.

۲. ناموازنه ژئوپلیتیک و ژئواکونومی در روابط ایران و روسیه

جمهوری اسلامی ایران و روسیه طی سالهای اخیر در راستای ارتقای سطح روابط خود گام برداشته‌اند. این امر سبب شده است که سطح تماس‌ها و تعاملات دو کشور در این سال‌ها افزایش قابل‌ملاحظه‌ای یابد. رفت و آمدهای مکرر مقامات عالی‌رتبه دو کشور و نیز سطح رایزنی‌های مشترک بر اراده طرفین برای پیشبرد و ارتقای سطح روابط دوجانبه دلالت دارد. موضوع تلاش و تمایل برای ارتقای سطح روابط به‌طور مستمر در اظهارات و مواضع مقامات ایران و روسیه بازتاب داشته و مورد تأکید قرار گرفته است. همچنان‌که مورد اشاره قرار گرفت، همکاری راهبردی دو کشور در بحران سوریه و مشارکت مؤثر آنها در روند مبارزه با تروریسم در منطقه از مصادیق مهمی است که وجود روابط همگرایانه و



روبه پیشرفت ایران و روسیه در سال‌های اخیر را مورد تأیید قرار می‌دهد. اقداماتی نظیر برگزاری مانور نظامی مشترک در منطقه استراتژیک خلیج فارس نیز از دیگر نشانه‌های معنادار توسعه راهبردی روابط دو کشور به حساب می‌آید.

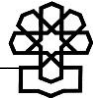
با این حال آنچه درخصوص روند روبه رشد روابط تهران و مسکو می‌توان به‌صراحت بیان داشت این است که توسعه روابط دو کشور به‌لحاظ ماهیت و ابعاد، متوازن و همه‌جانبه نبوده و تمام ارکان آن را شامل نشده است. ضعف جدی در این زمینه به **توقف و حتی نزول سطح همکاری‌های اقتصادی ایران و روسیه** باز می‌گردد که مطلقاً متناسب با ظرفیت دو کشور همسو و همسایه نیست. نگاهی به حجم تجارت و مبادلات دو کشور در چند سال اخیر به‌خوبی چنین گزاره‌ای را تأیید می‌کند. تجارت ایران و روسیه در سال ۲۰۱۷ تنها معادل یک میلیارد و هفتصد میلیون دلار بوده است. این رقم برای سال ۲۰۱۸ هیچ رشدی نداشته و ثابت مانده است. این درحالی است که مبادلات تجاری دو کشور در سال ۲۰۱۹ حتی روند کاهشی را تجربه کرده و به رقم یک میلیارد و ششصد میلیون دلار تنزل یافته است. براساس آمار گمرکی، در سال ۲۰۱۹ حجم صادرات روسیه به ایران ثابت مانده درحالی که واردات این کشور از ایران ۲۷ درصد کاهش داشته است (Kozhanov b, 2020: 16).

مجموعه آمارهای اقتصادی مؤید آن است که ایران و روسیه در حوزه مبادلات بازرگانی و تجاری روابطی ضعیف و فاقد ارزش راهبردی با یکدیگر دارند. برای مثال ایران و روسیه هیچ‌کدام در فهرست مهم‌ترین شرکای تجاری یکدیگر قرار ندارند. اولویت نداشتن روابط اقتصادی در مجموعه تعاملات تهران و مسکو سبب شده است که همکاری‌های دو کشور در سال‌های اخیر حتی نسبت به سال‌های دورتر کاهش پیدا کند. برای مثال،

درحالی که سهم ایران از تجارت خارجی روسیه در سال ۲۰۱۳ حدود ۰/۵ درصد بود در سال ۲۰۱۹ تنها معادل ۰/۳ برآورد گردید (Rodkiewicz, 2020).

بدین ترتیب نوعی عدم تناسب فاحش در میان ابعاد و ارکان روابط جمهوری

اسلامی ایران و روسیه به چشم می‌خورد. بر این اساس درحالی که دو کشور در حوزه مسائل ژئوپلیتیک غرب آسیا و مشخصاً در قبال بحران سوریه روابطی نزدیک و راهبردی را تدارک دیده و به کنشگران مهم و مؤثر منطقه تبدیل شده‌اند، در حوزه تعاملات اقتصادی و ژئواکونومیک تعاملات راهبردی و اثربخشی را پی‌ریزی نکرده‌اند. این عدم تناسب را می‌توان به ناموازنه ژئوپلیتیک و ژئواکونومی در روابط ایران و روسیه تعبیر کرد که باعث می‌شود روابط دو کشور از تمامیت و جامعیت کافی برخوردار نباشد. چنین وضعیتی می‌تواند انگیزه‌ها برای نیل به توافقی پایدار در حوزه همکاری‌های استراتژیک را میان ایران و روسیه تضعیف نماید. هم روسیه و هم جمهوری اسلامی ایران با توجه به مواجهه با تحریم‌های کشورهای غربی نیاز بالایی برای توسعه روابط راهبردی با کشورهایی دارند که از توان و ظرفیت لازم برای کمک به اقتصاد خود و کاستن از آسیب‌های نشأت گرفته از تحریم‌ها برخوردار باشند. دقیقاً به همین دلیل است که هر دو کشور سیاست توسعه همکاری‌های راهبردی با دولت چین را در دستور کار قرار داده‌اند. کما اینکه مقابله با تحریم‌های غرب و بی‌اثر کردن این تحریم‌ها به‌درستی یکی از استدلال‌های اصلی مسئولان کشورمان در تأیید ضرورت امضای موافقتنامه راهبردی با چین بوده است. در چنین شرایطی، ضعف ژئواکونومی در کلیت روابط و تعاملات ایران و روسیه ممکن است این ذهنیت را نزد مقامات دو کشور تقویت نماید که انعقاد توافق راهبردی جامع میان



تهران و مسکو، آورده اقتصادی قابل ملاحظه‌ای برای دو کشور به همراه نخواهد داشت و در نتیجه انگیزه‌ها برای نیل به چنین توافقی کاهش یابد.

۳. سطح نازل تعاملات غیررسمی

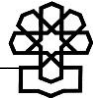
از جمله محرکه‌های مؤثر در تقویت همگرایی میان کشورها و روی آوردن آنها به پیریزی روابطی مستحکم، پایدار و بلندمدت، وجود **ارتباطات نزدیک و وسیع مردمی** میان آنهاست. این ارتباطات پشتوانه محکمی برای دوام و قوام روابط رسمی میان دولت‌ها به‌ویژه در ابعاد راهبردی است. همچنان‌که در بخش ابتدایی گزارش مورد اشاره قرار گرفت برخی صاحب‌نظران، وجود سطح بالایی از علاقمندی، تفاهم و اعتماد متقابل میان مردم دو کشور را شرط لازم برای ایجاد روابط راهبردی میان دولت‌ها می‌دانند. چنانچه این دو کشور در وضعیت مجاورت و همسایگی قرار داشته باشند انتظار برای توسعه ارتباطات مردمی میان آنها بیشتر خواهد بود.

در مورد روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه واقعیات موجود از پایین بودن سطح روابط غیررسمی میان دو کشور حکایت دارد. در واقع عمده ارتباطات و تعاملات دو کشور ماهیت و بنیانی دولتی دارند و کمتر بر تعاملات مردمی بنا نهاده شده‌اند. روابط میان بخش خصوصی دو کشور چندان قابل اعتنا نیست و نیز رفت و آمدهای مردمی میان شهروندان دو کشور از جمله در قالب صنعت گردشگری سطحی پایین دارد. هم روسیه و هم ایران برای بسط ارتباطات مردمی اقدامات درخوری انجام نداده و نسبت به این مسئله اهتمام کمتری داشته‌اند. البته در سال‌های اخیر در زمینه‌هایی چون تبادل دانشجو و یا

توسعه گردشگری که می‌توانند زمینه‌ساز تقویت روابط مردمی باشند تسهیلاتی ازسوی هر دو کشور ایجاد شده است. از جمله آنکه موافقت‌نامه لغو روادید گروهی شهروندان ایرانی و روسی در فروردین‌ماه سال ۱۳۹۶ به امضای دولت‌های جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه رسید و در ۱۷ خردادماه ۱۴۰۰ در پی سفر وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ایران به مسکو، برنامه اجرایی این موافقت‌نامه امضا شد. اما طبیعی است که برای رسیدن به وضعیت مطلوب لازم است گام‌های اساسی‌تری برداشته شود. پایین بودن سطح تعاملات عمومی میان ایران و روسیه سطح شناخت از یکدیگر را میان مردم دو کشور بسیار کاهش داده است. این امر می‌تواند چالشی برای روابط همه‌جانبه و راهبردی ایران و روسیه باشد. هر چند رسیدن به یک توافق راهبردی در حوزه اختیار و مسئولیت دولت‌هاست، اما به یقین آنچه که می‌تواند به تعمیق و تثبیت این سنخ از روابط منجر شود همانا تعاملات نزدیک و گسترده مردمی است که خود نقش مؤثری در ترغیب دولت‌ها برای تقویت روابط دوجانبه در سطوح راهبردی دارد.

الزامات سیاستی انعقاد توافق راهبردی با روسیه

جمهوری اسلامی ایران برای انعقاد توافقی راهبردی و بلندمدت با دولت روسیه باید مجموعه‌ای از ملاحظات و الزامات سیاستی را مد نظر قرار دهد تا امکان بهتری برای تسهیل زمینه‌های انعقاد توافق و به حداکثر رسیدن منافع حاصله از آن فراهم آید. توجه به این الزامات می‌تواند هم در ترغیب بیشتر طرف روس برای انعقاد توافق راهبردی با جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار باشد، هم کارزار عملیات روانی دشمنان کشور در مورد

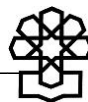


توافق را خنثی یا کم اثر سازد و هم در حین اجرای توافق مزیت‌های بیشتری را متوجه کشورمان سازد. درواقع الزامات مورد نظر، هم شامل دوره پیشاتوافق و هم مشمول برهه پساتوافق است: بر این اساس برخی از مهم‌ترین الزامات معطوف به توافق راهبردی با دولت روسیه به شرح ذیل مورد اشاره قرار می‌گیرند:

۱. تلاش برای تغییر ادراک تصمیم‌سازان روس درخصوص عزم و جدیت ایران برای همکاری جامع راهبردی

جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر در راستای تقویت رویکرد نگاه به شرق گام‌های مهمی را در حوزه سیاست خارجی برداشته و تلاش کرده است تا همزمان با قوت گرفتن روند انتقال قدرت جهانی از غرب به شرق نسبت به ارتقای سطح روابط با قدرت‌های نوظهور اقدام ورزد. انعقاد توافق راهبردی با دولت چین را می‌توان در همین راستا مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد. تجربه عدم پابندی طرف‌های غربی به تعهدات خود در برجام و ازجمله سکوت و حتی همراهی اروپایی‌ها در قبال تحریم‌های ظالمانه آمریکا که پس از خروج دولت ترامپ از برجام تشدید شد، نقش مهمی در تقویت تلاش‌های ایران برای تقویت روابط خود با قدرت‌های غیرغربی داشته است. با این حال براساس برخی تجربیات و روندهای معمول در سال‌های گذشته این ذهنیت نزد برخی بازیگران غیرغربی ازجمله روسیه وجود دارد که نهاد دولت در ایران صرفاً در شرایط اضطرار و به حداکثر رسیدن فشارها و تحریم‌های کشورهای غربی موضوع توسعه و تقویت روابط با کشورهای چینی و روسیه را در دستور کار قرار می‌دهد. این موضوع بعضاً ازسوی دیپلمات‌های

روسی در حاشیه دیدارها و مذاکرات دوجانبه به طرف ایرانی منتقل شده است. پندار غالب در میان برخی محافل و مجامع روسی آن است که در صورت بهبود روابط ایران با غرب نمی‌توان انتظار زیادی از تهران برای پیگیری سیاست تقویت همکاری با مسکو و سایر بازیگران غیرغربی داشت. کما اینکه از نظر روس‌ها در سال‌های گذشته نیز دولت ایران تمایل خود را برای جهش چشمگیر در روابط با روسیه به‌ویژه در ابعاد اقتصادی اعلام کرده بود، اما درنهایت و به‌ویژه پس از توافق برجام بیشتر ظرفیت‌های خود را متوجه توسعه روابط اقتصادی با کشورهای اروپایی کرد. ازجمله اینکه در سال ۲۰۰۷ ایران طرح‌های کلانی را با روسیه برای افزایش تجارت دوجانبه تا رقم ۲۰۰ میلیارد دلار طی ۱۰ سال با همکاری در حوزه‌های انرژی، حمل‌ونقل، پزشکی، بیوتکنولوژی، استخراج فلزات، اکتشافات فضایی و ... مورد بحث قرار داده بود (Kortunov, 2018) اما هیچ‌گاه زمینه‌های لازم برای عملیاتی شدن این طرح‌ها فراهم نشد. چنین سوابقی در تقویت ذهنیت مورد اشاره نزد روس‌ها مبنی بر عدم جدیت ایران برای همکاری‌های بلندمدت تأثیر قاطع داشته است. طبعاً در صورت تداوم چنین برداشت و ذهنیتی نزد نخبگان روس امکان انعقاد و یا پیشبرد توافق راهبردی با روسیه با محدودیت‌های بیشتری مواجه خواهد شد. ازاین‌رو اقدام برای تغییر این برداشت و **انعکاس عزم و جدیت ایران در زمینه توسعه مناسبات با قدرت‌های نوظهور** از اهمیت اساسی برخوردار است. پیام اخیر مقام معظم رهبری برای رئیس‌جمهور روسیه که در جریان سفر رئیس‌مجلس شورای اسلامی به مسکو به طرف روسی ارائه شد اقدام مؤثری برای تغییر این ذهنیت روس‌ها بود. پایبندی عملی دولت ایران به راهبرد توسعه همکاری‌ها با قدرت‌های غیرغربی



و از جمله روسیه می‌تواند در تغییر کامل این ذهنیت بسیار تأثیرگذار باشد. در این صورت روس‌ها فارغ از نوع تحولات روابط ایران و اروپا یا تغییر دولت‌ها در ایران با اطمینان بیشتری نسبت به پی‌ریزی روابط راهبردی بلندمدت با کشورمان وارد عمل خواهند شد.

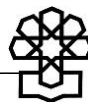
۲. ضرورت تدبیر و آگاهی‌بخشی افکار عمومی

تجربه اخیر در مورد انعقاد توافق راهبردی با دولت چین که در اوایل فروردین‌ماه سال جاری صورت گرفت از بالا بودن حساسیت‌های عمومی در داخل کشور نسبت به حوزه روابط خارجی حکایت دارد. درعین حال این حساسیت، محملی را برای بهره‌برداری و سوءاستفاده جریانات مخالف انقلاب فراهم کرده تا در چارچوب **مبادرت به عملیات روانی** و به‌کارگیری تکنیک‌های رسانه‌ای به ایجاد شبهه و شائبه نسبت به ماهیت تصمیمات نظام در حوزه سیاست خارجی اقدام ورزند. هدف نهایی از به راه‌اندازی این کارزار، کاهش سرمایه اجتماعی و ایجاد شکاف میان ملت و حاکمیت با به راه‌انداختن نوعی جو احساسی و هیجانی است. هجمه سنگینی که در جریان امضای توافق راهبردی با چین شکل گرفت در همین راستا قابل توضیح و توصیف است. تردیدی نیست که به محض اوج‌گیری احتمال انعقاد توافقی مشابه با روسیه جو رسانه‌ای و روانی گسترده‌ای ازسوی محافل ضدانقلاب به راه خواهد افتاد تا افکار عمومی را نسبت به این قرارداد و عملکرد نظام در قبال آن بدبین سازند. با توجه به سابقه تاریخی پر فراز و نشیب ایران و روسیه و تحولات روابط دو کشور در سال‌های دور و حساسیت‌های عمومی که درخصوص روابط با روسیه وجود داشته است، تردیدی نیست که **حجم عملیات روانی دشمن در قبال توافق راهبردی با این کشور به مراتب بیش از**

توافق با چین خواهد بود. از این رو ضرورت دارد تا در صورت قطعی شدن روند امضای توافق راهبردی میان ایران و روسیه، از پیش نسبت به آگاهی‌بخشی به جامعه درخصوص این توافق به‌ویژه از حیث ضرورت‌های ناظر بر امضای آن و منافع آن برای کشور تدابیر لازم اتخاذ شود.

۳. ظرفیت‌سازی توافق راهبردی با روسیه در راستای تقویت محور مقاومت

جمهوری اسلامی ایران یک قطب قدرتمند و بازی‌ساز در منطقه غرب آسیا محسوب می‌شود و توانسته است با راهبری محور مقاومت، معادلات جدیدی را منطقه در مخالفت با اهداف و مقاصد بازیگران غربی رقم بزند. از جمله وجوه بازیگری فعال ایران در معادلات منطقه می‌توان به نقش اثرگذار آن در بحران سوریه اشاره کرد که ناکامی محور عبری-غربی-عربی در این کارزار را در پی داشته است. مجموعه طراحی‌ها و نقش‌آفرینی‌های جمهوری اسلامی ایران در این بحران نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در تثبیت موقعیت و نفوذ جبهه مقاومت در منطقه داشت و به نقطه عطفی در روند قدرت‌یابی این محور تبدیل شد. از جمله طراحی‌های مؤثر جمهوری اسلامی ایران در قبال این بحران می‌توان به ابتکار درگیرسازی روسیه در سوریه در راستای منافع منطقه و محور مقاومت اشاره کرد. اقدامات مؤثر سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در رایزنی با روس‌ها و متقاعد ساختن رئیس‌جمهور این کشور به ضرورت حضور در بحران سوریه از جمله از طریق تبیین ماهیت و اهداف نیروهای تروریستی مستقر در این کشور مهم‌ترین عامل **حضور فعال روسیه در سوریه** در راستای حمایت از دولت مرکزی این کشور بود. این تحول از ظرفیت و اعتبار بالای جمهوری اسلامی ایران برای تقویت محور مقاومت در منطقه حکایت داشت. اکنون با



بهره‌گیری از تجربه بحران سوریه می‌توان با در نظر گرفتن همه ملاحظات ضروری و منطقی، نسبت به تعمیم این تجربه به سایر حوزه‌هایی که با منافع محور مقاومت ارتباط دارند اقدام کرد. به‌طور مشخص درخصوص بحران یمن با توجه به مواضع روس‌ها در قبال این بحران و اقدام راهبردی این کشور در وتوی یکی از قطعنامه‌های شورای امنیت در مورد یمن که بر ضد جبهه مقاومت تدوین شده بود می‌توان نسبت به ایجاد زمینه مشارکت بیشتر در موضوع یمن اقدام کرد. به‌ویژه آنکه صف‌آرایی‌های سیاسی و نظامی در بحران یمن بی‌شباهت به صف‌بندی‌های حاکم در بحران سوریه نیست. در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی ایران در روند پیگیری انعقاد توافق راهبردی با روسیه که قطعاً بر تعاملات منطقه‌ای دو کشور نیز اشارت خواهد داشت، می‌تواند نسبت به اتخاذ تمهیداتی که به گسترش پیوندهای راهبردی میان روسیه با محور مقاومت و استفاده از ظرفیت‌های سیاسی و نظامی این کشور در راستای منافع محور مقاومت شود اقدام ورزد.

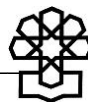
۴. تلاش برای پیوند بیشتر با ساختارهای نهادی فراملی روس‌بنیان

روسیه در دوره پس از فروپاشی شوروی تلاش کرده است تا با بنیانگذاری و تقویت سازوکارهای نهادی فراملی نسبت به حفظ انسجام و یکپارچگی سیاسی، اقتصادی و امنیتی محیط پیرامونی اقدام ورزد. این نهادها همچنین تمهیدی برای جلوگیری از نفوذ غرب به مناطق پیرامونی روسیه بوده‌اند. ازجمله این نهادها می‌توان به سازمان پیمان امنیت جمعی^۱ اشاره کرد. با توجه به اهمیت این نهادها در سیاست‌های کلان فرامرزی

1. Collective Security Treaty Organization

روسیه مشارکت در آنها برای کشورهای عضو بستری برای توسعه تعاملات راهبردی با مسکو محسوب می‌گردد. برخی از این نهادها البته تنها مختص به کشورهای استقلال یافته از اتحاد جماهیر شوروی هستند. در عین حال امکان مشارکت در برخی دیگر از این نهادها و عضویت در آنها برای جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که می‌تواند به مثابه سازوکاری برای توسعه تعاملات راهبردی با روسیه و نیز تقویت حضور ایران در حوزه استراتژیک اوراسیا مورد توجه قرار گیرد. از جمله مهم‌ترین این نهادها می‌توان به **اتحادیه اقتصادی اوراسیا**^۱ اشاره کرد. هرچند ایده اولیه چنین نهادی از سوی نورسلطان نظربایف رئیس‌جمهور قزاقستان در دهه ۱۹۹۰ مطرح شد، اما روسیه در عملی شدن این ایده و شکل‌گیری نهاد مربوط به آن نقش برجسته‌ای ایفا کرد. در جریان برگزاری جلسه شورای اقتصادی عالی اوراسیا در ۲۹ می ۲۰۱۴ رؤسای جمهور روسیه، بلاروس و قزاقستان معاهده تأسیس اتحادیه اقتصادی اوراسیا را به امضا رساندند. قرقیزستان و ارمنستان نیز بعداً به این اتحادیه پیوستند. این اتحادیه البته براساس چارچوب‌ها و قواعد مشخص خود تعاملات اقتصادی کشورهای عضو را تنظیم می‌کند با این حال باید در نظر داشت که همچون دیگر اتحادیه‌های اوراسیایی که براساس علائق ژئوپلیتیکی شکل گرفتند، شخص ولادیمیر پوتین نهاد فوق را به‌عنوان یک هدف کلیدی سیاست خارجی خود در نظر می‌گیرد. او اتحادیه اقتصادی اوراسیا را نه تنها یک مرحله جدیدی از *بازهمگرایی حوزه پسا شوروی* می‌داند، بلکه همچنین آرزو دارد که آن را به یک بلوک ممتاز نفوذ نظیر اتحادیه اروپا، نفتا و اپک تبدیل سازد (Yilmaz, 2017: 4).

1. Eurasian Economic Union

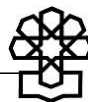


با توجه به اهمیت این اتحادیه در سیاست خارجی روسیه پیش‌بینی می‌شود که توسعه همکاری با این نهاد تأثیری مستقیم در تثبیت همکاری‌های راهبردی ایران و روسیه به همراه داشته باشد. در عین حال با توجه به محدودیت‌های چشمگیری که فراروی روابط اقتصادی ایران با کشورهای غربی وجود دارد، بسیاری از کارشناسان موضوع عضویت در این اتحادیه را نیز از منظر ملاحظات و منافع اقتصادی به سود کشور ارزیابی می‌کنند. بر همین اساس در سال‌های گذشته اقدامات مختلفی در راستای همکاری ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا مطرح شد و در نهایت، در سال ۲۰۱۸ و در جریان برگزاری نشست اتحادیه اقتصادی اوراسیا، میان این اتحادیه و ایران توافقنامه ایجاد منطقه آزاد تجاری به امضا رسید. طبعاً توسعه پیوندها یا این قبیل نهادها که مسکو رویکردی استراتژیک بدان‌ها دارد می‌تواند تسهیلگر توسعه روابط راهبردی ایران و روسیه باشد. بجز اتحادیه اقتصادی اوراسیا، تقویت همکاری با **سازمان همکاری شانگهای**^۱ که ایران فعلاً عضویت ناظر در آن را دارد نیز می‌تواند تضمین مهمی برای پایداری یک روابط راهبردی بلندمدت با روسیه و حتی چین باشد. البته همگرایی ایران با معماری / اوراسیایی روسیه و چین به همان اندازه که واجد پیامد برای روابط اقتصادی و امنیتی کل اوراسیاست دارای پیچیدگی نیز هست (Tanchum, 2020). طبعاً تردیدی وجود ندارد که شرط اول برای تقویت همکاری با این قبیل نهادها تأمین مصالح عالیه نظام جمهوری اسلامی است.

1. Shanghai Cooperation Organisation (SCO)

۵. توجه به وجوه نرم‌افزاری روابط راهبردی

پیشتر و در عصر کلاسیک روابط بین‌الملل، روابط راهبردی میان کشورها بیشتر و چه بسا صرفاً براساس اتکا به بنیان‌های سخت قدرت شکل می‌گرفت و معمولاً از وجوه نرم‌افزاری قدرت غفلت می‌شد. امروزه اما با توسعه چشمگیر فناوری‌های ارتباطاتی و گسترش روابط اجتماعی بین‌المللی توجه به جوانب غیرسخت قدرت بیش از هر زمانی اهمیت پیدا کرده است. توسعه روابط فرهنگی و روابط بین‌امردمی عنصری مؤثر در تحکیم روابط راهبردی است و هر چقدر که ارتباطات میان دو ملت قوی‌تر باشد احتمال پایداری روابط میان دولت‌ها را نیز افزایش خواهد داد. با یادآوری آنچه که پیش‌تر درخصوص ضعف در روابط غیررسمی ایران و روسیه به‌عنوان یکی از چالش‌های برقراری روابط راهبردی دو کشور مورد اشاره قرار گرفت، تأکید می‌شود که یکی از الزامات فراروی شکل‌گیری روابط راهبردی دو کشور تلاش برای توسعه روابط مردمی است. این امر به‌ویژه از طریق توجه طرفین به حوزه قدرت نرم امکان‌پذیر خواهد شد. تکیه بر این راهبرد به‌معنای نادیده گرفتن سطح تفاوت‌های فرهنگی دو کشور نیست، با این حال و علی‌رغم این تفاوت‌ها می‌توان به زمینه‌هایی از تعاملات در حوزه قدرت نرم دست یافت. نکته مهمی که در اینجا باید مورد توجه قرار داد این است که دولت روسیه که معمولاً در نظام بین‌الملل چهره‌ای سخت از آن ارائه می‌شود طی یک دهه اخیر توجه ویژه‌ای به مقوله قدرت نرم داشته و پیگیری این جنبه از قدرت را در اسناد بالادستی خود مورد تأکید قرار داده است. آنچه در این میان می‌تواند زمینه‌های تقویت ارتباطات دو کشور در مسائل فرهنگی را فراهم کند این است که روسیه در روند توجه به مقوله قدرت نرم تلاش دارد تا هم سطح بالاتری از توجه به



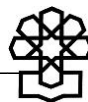
امور دینی و مذهبی را به نمایش گذارد و هم در حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی ارزش‌های فراموش شده در غرب را مورد تأکید قرار دهد. به همین دلیل در نسخه اصلاح شده قانون اساسی روسیه که پس از برگزاری رفراندوم تغییر قانون اساسی در سال گذشته به تصویب رسید برای اولین بار نام خدا در این قانون مورد اشاره قرار گرفت و نیز بر ارزش‌های اجتماعی نظیر حمایت از خانواده و مخالفت با همجنس‌گرایی تأکید شد. به نظر می‌رسد که چنین تحولات فرهنگی در روسیه که با اصول و هنجارهای غربی در تعارض است می‌تواند زمینه‌ای برای تعاملات و همکاری‌های مشترک دو کشور در حوزه قدرت نرم باشد. علاوه بر آن دو کشور در حوزه **تقویت روابط فرهنگی** نظیر ترویج زبان فارسی در روسیه و زبان روسی در ایران می‌توانند همکاری‌های نزدیکی را تدارک ببینند. ذکر این نکته حائز اهمیت است که در روند توجه به مقوله قدرت نرم از سوی دولتمردان روسیه موضوع ترویج زبان روسی به‌طور خاص مورد توجه قرار گرفته است. نکته پایانی اینکه مسکو برای تقویت قدرت نرم خود شماری از نهادها و مؤسسات را ایجاد کرده که در سطحی وسیع به فعالیت فرامرزی می‌پردازند. بنیاد «راسکی میر»^۱ و همچنین آژانس «روسوتر/دنیچستوو»^۲ از مهم‌ترین آنها هستند که برقراری زمینه‌های همکاری میان این نهادها و نهادهای متناظر در جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به تقویت روابط دو کشور در حوزه قدرت نرم کمک بالایی نماید. این امر تأثیر بسزایی در ترغیب دو کشور برای عقد یک توافق راهبردی و تثبیت چنین توافقی برای یک دوره بلندمدت خواهد داشت.

1. Russkii Mir Foundation

2. Rossotrudnichestvo

نتیجه‌گیری

امضای توافق راهبردی با روسیه بدین اعتبار که متضمن ارتقای معنادار سطح تعاملات جمهوری اسلامی ایران با این کشور خواهد بود می‌تواند به نقطه عطفی در تاریخ روابط دوجانبه تهران و مسکو تبدیل شود. هر چند مسیر تحول ماهوی روابط ایران و روسیه به روابطی راهبردی با برخی محدودیت‌ها و چالش‌ها روبه‌روست، اما به نظر می‌رسد که محرکه‌ها و پیش‌ران‌های موجود در شکل‌گیری این تحول، نقش تأثیرگذارتری داشته و زمینه‌های متعددی برای آوردن طرفین به پی‌ریزی روابط بلندمدت راهبردی وجود دارد. بیش از همه الزامات و اقتضائات ناظر بر روابط خارجی دو کشور و متغیرهای محیطی و سیستمی تأثیرگذار بر سمت‌گیری فرامرزی آنها نوعی کشش و جاذبه متقابل برای ارتقای روابط دو کشور به سطحی راهبردی ایجاد می‌کند. از این رو به نظر می‌رسد که شرایط موجود فرصتی خاص در حوزه سیاست خارجی کشور در راستای تکمیل روند تحکیم روابط با قدرت‌های نوظهور نظام بین‌الملل ایجاد کرده است که باید مورد استفاده قرار گیرد. این روند، تدبیری قابل تجویز برای مقابله با سیاست‌های دولت‌های غربی است که از طریق پیگیری اقدامات و سیاست‌های ناظر بر تحدید فضای تنفس ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران، درصدد کاهش توان کنشگری ایران در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی هستند. توافق با روسیه در حوزه همکاری‌های راهبردی علاوه بر پیامدهای مثبت در روابط دوجانبه از جمله هم‌افزایی برای کاهش تأثیرات تحریم‌ها بر اقتصاد دو کشور می‌تواند تضمینی بر تثبیت دستاوردهای همکاری‌های منطقه‌ای آنها در حوزه غرب آسیا و تعمیم الگوی این قبیل همکاری‌ها به سایر حوزه‌ها باشد. از این رو با در نظر گرفتن همه ملاحظات



و الزامات مرتبط با منافع و مصالح کشور، می‌توان پروسه دیپلماتیک منتهی به انعقاد توافقی راهبردی با دولت روسیه که با سفر اخیر ریاست محترم مجلس به مسکو آغاز شد را تداوم بخشید. طبیعی است که جزئیات این توافق در حوزه‌های مختلف از جمله در حوزه تعاملات اقتصادی پس از تشکیل گروه‌های تخصصی و کارشناسی در کشور به‌منظور یافتن زمینه‌های توسعه روابط و تقویت ظرفیت همکاری‌های مشترک تعیین خواهد شد.

منابع و مأخذ

۱. خبرگزاری فارس، (۱۴۰۰)، ریابکوف: به همکاری با ایران برای ساخت واحدهای دوم و سوم نیروگاه بوشهر ادامه می‌دهیم، ۲۴ فروردین.
2. Czechowska, Lucyna (2013), The concept of strategic partnership as an input in the modern alliance theory, The Copernicus Journal of Political Studies, No. 2 (4).
3. Freedman, Rrobert (2000), Russian–Iranian Relations in the 1990s, Middle East Review of International Affairs, Vol. 4 No. 2/June 2000.
4. Gabuev, Alexander. Chernenko, Elena (2019), What Russia Thinks About Multilateralism, Carnegie Moscow Center, <https://carnegie.ru>, August 20.
5. Grove, Thomas (2019), U.S., Israel Look to Coax Russia Away From Iran Alliance, The Wall Street Journal, June 24.
6. karami, Jahangir (2017), Iran-Russia Strategic Partnership at the New Stage: What Could We Propose To Each Other?, The Institute for Iran-Eurasia Studies (IRAS). 2017.
7. Kortunov, Andrey (2018), Russia and Iran; Tactical Union or Strategic Partnership?, <https://b2n.ir/d47653>.
8. Kozhanov a, Nikolay (2020), Iran and Russia: Between Pragmatism.
9. and Possibilities of a Strategic Alliance, IN: Kozhanov, Luciano, Foreign

Policy of Iran Under President Hassan Rouhani's First Term (2013–2017), Palgrave Macmillan.

10. Kozhanov b, Nikolay (2020), Russia: Iran's Ambivalent Partner, IN: Zamirirad, Azadeh, Forced to Go East? Iran's Foreign Policy Outlook and the Role of Russia, China and India, german Institute for International and Secutity Affairs, www.swp-berlin.org, April.
11. Lukyanov,, Grigory (2018), Russia–Iran Cooperation in Afghanistan: Opportunities and Limitations, The Institute for Iran-Eurasia Studies (IRAS). 2018.
12. Mirfakhraei, Hasan (2017), Syrian Crisis and Russian-Iranian Strategic Partnership, Iranian Review of Foreign Affairs, Vol. 8, No. 2.
13. Rodkiewicz, Witold (2020), Defying America. Russia's policy towards Iran, The Centre for Eastern Studies, <https://www.osw.waw.pl/pl>, OSW Commentary, No 319.
14. Stronski, Paul. Sokolsky, Richard (2020), Multipolarity in Practice: Understanding Russia's Engagement With Regional Institutions, Carnegie Endowment for International Peace, www.carnegieendowment.org.
15. Tanchum, Michael. (2020), Iran and the China–Russia pivot in Eurasia.
16. Yilmaz, Serdar (2017), Eurasian Economic Union: A Regional Economic Hegemony Initiative, Journal of Eastern European and Central Asian Research (JEECAR) 4(2).



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۷۷۳۳

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: امکان‌سنجی امضای توافق راهبردی با روسیه؛ الزامات و اقتضائات

نام معاونت: مطالعات سیاسی

تهیه و تدوین: مهدی امیری

ناظران علمی: ابوذر گوهری‌مقدم، زکویه یزدان‌شناس

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. جمهوری اسلامی ایران

۲. روسیه

۳. همکاری

۴. راهبردی

۵. توافق



تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۶/۷